



قدرت، نابرابری و منازعات محلی بر سر زمین در افغانستان

مطالعه مناطق حومه شهر کابل



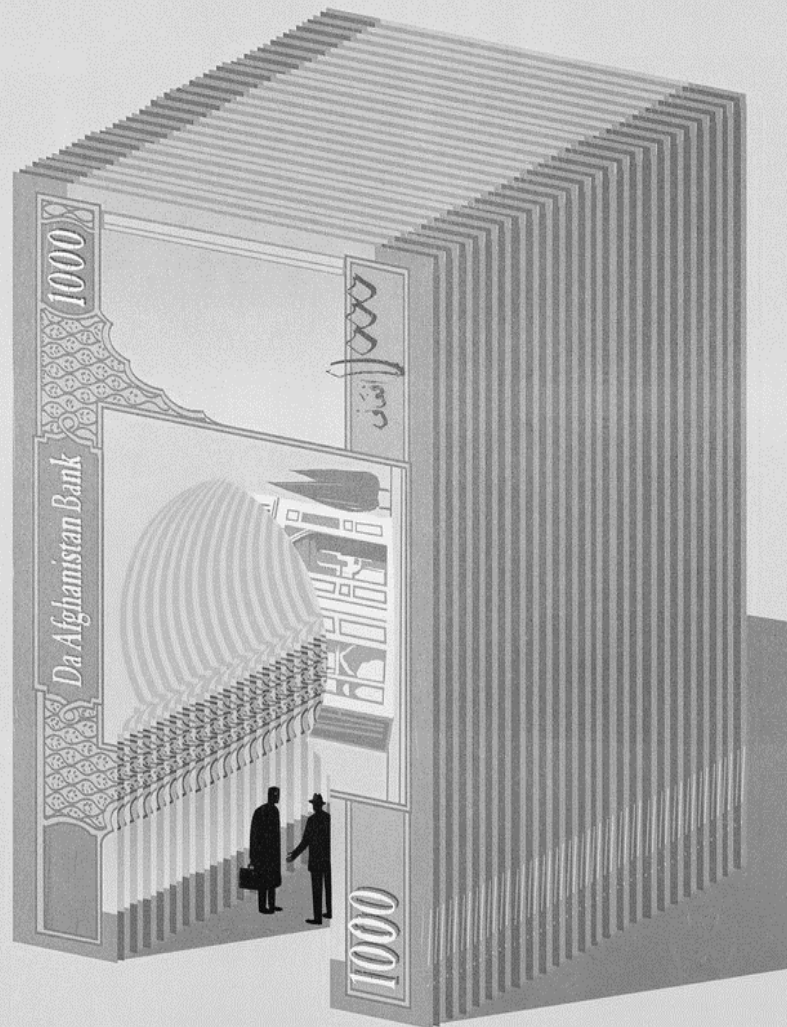
• غاصبان قدرت‌مند زمین عمدتاً خارج از محدوده پاسخ‌گویی قرار دارند. آن‌ها به لطف موقعیت ممتاز شان در جامعه می‌توانند ادعای شان نسبت به مالکیت زمین را حفظ کنند، در حالی‌که آن را به طور غیرقانونی از دولت یا طرف خصوصی دیگری به دست آورده‌اند. این افراد اغلب دولتی هستند اما گاهی اوقات با یک فرد دیگر مانند خود شان، ارتباط دارند. در برخی موارد، آنچه اتفاق می‌افتد این است که غاصب زمین اطراف زمینی را که ادعا می‌کند متعلق به اوست، حصار می‌کشد و سپس از زمین برای منفعت شخصی خودش استفاده می‌کند. تا همین اواخر قانون روشنی برای جرم‌انگاری غصب زمین وجود نداشته است.

- مقامات فاسد دولتی می‌توانند از موقعیت شان در قدرت برای به دست آوردن منفعت از منازعات زمین، به قیمت زین افراد عادی استفاده کنند. در برخی موارد مقامات دولتی، نقش مستقیمی در تشدید منازعات زمین ایفا می‌کنند. مقاماتی که خود را در موقعیت قدرت می‌یابند، تمایل به سوءاستفاده از قدرت شان برای به دست آوردن منفعت شخصی داشته باشند. این مقامات می‌توانند از اطلاعات ویژه و همچنین روابط با دیگران در دولت بهره‌مند شوند، که مشابه به فعالیت‌های غاصبان زمین، به بسیج فعالیت‌های شان کمک می‌کند. دلالتان قدرت رابطه پیچیده‌ای با دولت دارند. همه‌ی آن‌ها وجود دولت و نقش نهایی را که در حفظ نظم بازی می‌کند، به رسمیت می‌شناسند.

- دلالتان قدرت در جامعه از جمله ملک‌ها، وکلای گذر و ملامان از موقعیت قدرت‌مند برخوردارند، زیرا جامعه آن‌ها را به‌عنوان افراد مسئول رسیدگی و داوری اختلافات بر سر زمین می‌بینند. در مورد وکلای گذر، آن‌ها به‌عنوان میانجی با دولت دیده می‌شوند.

- میان خانواده‌ها، سلسله مراتب متنوع قدرت پیامدهای مستقیم در نحوه ارث بردن زمین اعضای خانواده دارد. وراثت یکی از ابزارهای اصلی است که از طریق آن دارایی از یک فرد به فرد دیگری منتقل می‌شود. زمین اغلب ارزش‌مندترین دارایی است که یک فرد دارد. علاوه بر این، ارزش بسیاری از زمین‌ها در مراکز شهری بویژه در مناطق حومه کابل به دلیل رشد جمعیت صقل می‌کند، جایی که به دلیل کمبود مسکن تقاضا برای زمین شدیداً بالا است.

- بازگشت افغان‌ها به کشور شان مجموعه جدیدی از اختلافات و چالش‌ها را بر سر زمین ایجاد کرده است. بسیاری از آن‌ها زمین‌های شان را در تصرف بیگانه پیدا می‌کنند. بازگشت‌کنندگان به جای تکیه بر دولت، از طریق دلالتان قدرت که از جابه‌جایی خانواده‌ها به دلیل ناآرامی و الگوهای استفاده از زمین در طی زمان آگاه هستند، ممکن است بهتر بتوانند حق شان را به دست بیاورند و به موجب آن باعث تقویت اقتدار دلالتان قدرت شوند.



● مقابله با فساد دولتی: با این‌که بدون شک مقابله با فساد دولتی برای توسعه جامعه مهم است، اهمیت ویژه‌ی این مسأله در حل منازعات زمین در این است که بدون مقابله با فساد، مقامات نمی‌توانند امیدوار باشند که ساکنان مناطق پیراشهری برای حل اختلافات از طریق دادگاه چاره بجویند. از سوی دیگر مبارزه با فساد در نهایت ممکن است زمینه بازخواست از غاصبان قدرت‌مند زمین را نیز فراهم کند.

● آموزش‌های تحت رهبری جامعه: جوامع به آموزش و آگاهی بیشتر درباره مسائل مربوط به حقوق و مالکیت زمین، روند ثبت رسمی زمین و حقوق زنان نیاز دارند. ابتکارات تحت رهبری جامعه از بیشترین شانس موفقیت در تغییر رسم و رسوم و عادات‌های جامعه در طول زمان، برخوردار می‌باشد.

● انجمن دلان قدرت: با وصف این‌که دلان قدرت از توانایی قابل‌توجهی در حل اختلافات درون جامعه شان برخوردارند، اما آن‌ها در پاسخ‌گو نگه‌داشتن افراد قدرت‌مند از جمله غاصبان قدرت‌مند زمین، با مشکل مواجه هستند. یکی از راه‌های افزایش اقتدار دلان قدرت در این راستا، بررسی مفهوم اتحاد و ارتباط برای تشکیل انجمن-میان دلان قدرت در جوامع مختلف است. قدرت و صلاحیت انجمن‌ها فراتر از قدرت یک شخص است و از این جهت ممکن است بهتر بتواند فعالیت افراد قدرت‌مند را مهار کند.

• انجمن دلالان قدرت: با وصف این که دلالان قدرت از توانایی قابل توجهی در حل اختلافات درون جامعه شان برخوردارند، اما آن ها در پاسخگو نگه داشتن افراد قدرت مند از جمله غاصبان قدرت مند زمین، با مشکل مواجه هستند. یکی از راه های افزایش اقتدار دلالان قدرت در این راستا، بررسی مفهوم اتحاد و ارتباط برای تشکیل انجمن-میان دلالان قدرت در جوامع مختلف است. قدرت و صلاحیت انجمن ها فراتر از قدرت یک شخص است و از این جهت ممکن است بهتر بتواند فعالیت افراد قدرت مند را مهار کند.

• افزایش همکاری دولت و جامعه: مجراهای ارتباط بین جوامع و دولت باید افزایش یابد. با این که موردی مانند وکلای گذر، نمونه ای از همکاری بین جامعه و دولت است، اما این نقش کافی نیست. دولت به ندرت با جوامع در مورد پروژه هایی که مردم را هدف قرار می دهد، مشورت می کند (برای مثال، دولت درباره طرح سند ملکیت با هیچ یک از رهبران جامعه که برای این پژوهش مصاحبه شده اند، مشورت نکرده است). همکاری بیشتر احتمالاً منافع بیشتری به ارمغان می آورد.

• تقویت روند غیررسمی: جوامع و مقامات دولتی باید راهی برای به رسمیت شناختن مزایای روندهای غیررسمی پیدا کنند. این فرضیه ی غریزی بسیاری ها مبنی بر این که روند غیررسمی یک مشکل است، توانایی آن را در حل مشکلات نادیده می گیرد. برنامه هایی که برای رسیدگی به منازعه زمین اجرا می شوند، باید بر سودمندی روندهای غیررسمی نیز تأکید کنند.

تشکر